

اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک

روح انگیز باقری

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

داوری یکی از موفق‌ترین روش‌های حل و فصل اختلاف، به ویژه در روابط تجاری بین‌المللی است. این روش غالباً بر مبنای توافقی است که از طریق آن، طرفین داوری را به عنوان روش حل و فصل اختلاف خود برمی‌گزینند. چنین توافقی به صورت درج شرط داوری در قرارداد و یا انعقاد یک موافقت‌نامه‌ی داوری صورت می‌گیرد که هر دو نوع، «قرارداد داوری» نامیده می‌شود. امروزه برخلاف سابق، کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته، با داوری به عنوان شیوه حل اختلاف، نظر مساعد دارند و قوانین بسیاری از این کشورها برای تسهیل داوری، در چند دهه اخیر اصلاح شده و در برخی از کشورها رویه قضایی در این جهت تکامل یافته است از طرف دیگر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز با تدوین پروتکل‌ها و معاهدات متعدد سعی در تشویق کشورها و بازرگانان به حل و فصل اختلافات خود از طریق داوری نموده‌اند. در این پژوهش با توجه به روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی پرداخته شده است. از این رو با توجه به قوانین داوری تجاری بین‌المللی تمامی ابعاد اجرای آراء داخلی و خارجی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: داوری، داوری تجاری بین‌المللی، آراء داخلی و خارجی



(۱) مقدمه:

امروزه داوری به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین مکانیسم حل و فصل اختلافات در روابط تجاری گردیده است.^۱ و بازرگانان برای رهایی از مشکلات مراجعه به دادگاه‌های این مکانیزم را مورد استقبال قرار داده و به دلیل پیدا سازمانها و کمیته های مختلف حالت نهادی به خود گرفته است^۲ و بصورت داوری‌های داخلی، خارجی و بین‌المللی مباحث و مقررات خاصی را به خود اختصاص داده است.

شناسایی و اجرای آراء اهمیت فوق العاده برای موفقیت در عرصه بین‌المللی محسوب می‌گردد. شاهد بارز این امر آن است که قابلیت اجرای آراء در سطح جهانی یکی از مزایای اصلی داوری است؛ جز در صورتی که طرفین اطمینان یابند که در پایان رسیدگی داوری خواهند توانست چنانچه رأی داوری داوطلبانه مورد تبعیت قرار نگیرد آن را به اجرا بگذارند، رأیی که به نفع آنها صادر شده طبلی تو خالی خواهد بود که به هزینه‌ای گزاف به دست آمده است. به علاوه، درجه و ضریب بالای تبعیت اختیاری و داوطلبانه از رأی هم به خاطر وجود نظام کارآمد اجرای آراء در صورت عدم تبعیت است. شناسایی رأی، فرایندی در دادگاه ملی است که به تصمیمی قضایی منتهی می‌گردد که اغلب روانامه خوانده می‌شود. این رسیدگی‌ها در بسیاری از موارد کامل و تمام عیار نیست بلکه رسیدگی‌های اختصاصی است که رأی را تأیید می‌کند. روانامه وجود داوری را مورد تصدیق قرار می‌دهد و تصمیم هیأت داوری را به رسمیت می‌شناسد. شناسایی به عنوان فرایندی دفاعی توصیف شده است که به منزله سپر عمل می‌کند.^۳

به لحاظ نظری، شناسایی و اجرا از این لحاظ اهمیت دارد که شناسایی رسمی فرایند داوری و تأیید محصول آن را فراهم می‌آورد. عملی خصوصی با عملی عمومی که همان رأی دادگاه دولتی است توانمند می‌شود. به لحاظ شناسایی و اجرا باید میان آراء خارجی تفکیک نهاد. در حالی که اجرای آراء داخلی فقط با قوانین ملی داوری تنظیم می‌شود، آراء خارجی عمدتاً بر اساس کنوانسیون نیویورک به اجرای می‌آیند. در پی تلاش‌های شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، نه آراء داوری بین‌المللی، پا به عرصه وجود گذاشت و در دهم ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب کشورهای عضو رسید و مقررات مخالف این معاهده نسخ شده و اغلب کشورهای جهان به آن ملحق گردیده اند و از جمله اسناد بین‌المللی است که در زمینه داوری به منظور توسعه یک روش منصفانه و مؤثر حل اختلافات بین المللی با مشارکت سازمان ملل متحد تدوین شده است این

۱. جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵

۲. انصاری، دکتر باقر، درآمدی بر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی، مجله حوزه ودانشگاه، سال ۱۱ شماره ۴۴، ص ۱۳۸۴، ص

۷۳

۳. حبیبی مجنده، محمد، داوری تجاری بین المللی تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱، ص ۶۸۹



کنوانسیون مورد قبول عام کشورهای جهان بوده و موجب پیدایش یک نظام یکنواخت شناسایی و اجرا برای آراء داوری خارجی گردید.

۲) تفکیک میان شناسایی و اجرای آراء داوری

لازم به اشاره است که خط‌مشی و سیاستی بین‌المللی به سود اجرای آراء به چشم می‌خورد. جز در موارد استثنایی، یافتن "داستان‌های غمبار" عدم اجرا در پرونده‌های منتشر شده روز به روز نادرتر می‌شود.^۱ در واقع مطابق یک گزارش،^۲ در سال ۱۹۹۶ بیش از ۹۵٪ مواردی که درخواست اجرای رأی وجود داشته دادگاه‌ها آراء را اجرا کرده‌اند. در تحقیق دیگر، رقم اجرای داوطلبانه یا اجرا توسط دادگاه‌های دولتی ۹۸٪ است.^۳ این وضع نتیجه هماهنگ‌سازی قواعد مربوط به شناسایی و اجرا در کنوانسیون نیویورک و پذیرش گسترده آن از سوی تعداد زیادی از کشورهاست.^۴

در موارد محدود، ممکن است رأی با اعمال فشارهای مستقیم یا غیرمستقیم تجاری یا غیر تجاری اجرا شود.^۵ در رویه اتحادیه تجارت غله و مواد غذایی نمونه‌هایی از این موارد می‌توان یافت. قواعد داوری اتحادیه مقرر می‌دارد که اگر یک طرف از تبعیت از رأی داوری اتحادیه سرپیچی کرد، شورای اتحادیه می‌تواند اطلاعیه‌ای توزیع کند و اعضای اتحادیه را در جریان امتناع از اجرای رأی قرار دهد.

در همه موارد دیگر، اجرای آراء داوری که به طور داوطلبانه مورد تبعیت قرار نگرفته تا حد زیادی خارج از حوزه هیئت داوری است. با آن که هیئت داوری ممکن است همه تلاش خود را به خرج دهد تا رأی قابل اجرا صادر نماید (چنان که برخی قواعد داوری همچنین مقرر می‌دارند)،^۶ شناسایی و اجرای آراء جزء اختیارات قهری دادگاه‌ها است. اکثر قواعد داوری مقرر می‌دارند که طرفین با ارجاع اختلاف خود به داوری متعهد می‌شوند رأی را بدون تأخیر اجرا کنند.^۷ با این حال، نه هیئت داوری و نه نهادهای داوری وسیله و ابزار اجرا در اختیار ندارند.

1. See, e.g., Iamm and Hellbeck, *The Enforcement of Foreign Arbitral Awards under the New York Convention: Recent Developments*, international arbitration (2002) 138

2. Van den Berg, "The New York Convention: Its intended Effects. Its Interpretation, Salient 'Are' in Blessing, *The New York Convention of 1958*, Swiss Arbitration Association Special Series, no 9 (1996), p 25

3. Kerr, "Concord and Conflict in International Arbitration", international arbitration (1997), p 129

4. See de Boisson, "Entonenient in Action: Hauntonization Versus Unification", Illinois Chess Coaches Association Cless Series 109. (1987) 593

۵. حبیبی مجنده، پیشین، ص ۶۹۰

۶. ماده ۳۵ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی و ماده (۲)۳۲ دیوان داوری بین‌المللی لندن

۷. ماده (۲)۳۲ قواعد آنستیرال؛ ماده (۱)۱۲۷ انجمن امریکایی داوری؛ ماده (۲)۳۲ مرکز منطقه ای قاهره؛ ماده (۶)۲۸ اتاق بازرگانی بین‌المللی؛ ماده

(۹)۲۶ دیوان داوری لندن؛ بند ۴۴ مرکز داوری مسکو؛ ماده ۵۱ مؤسسه داوری هلند؛ ماده ۳۶ مؤسسه استکهلم؛ ماده ۶۴ وایو.



در نتیجه، در مرحله شناسایی و اجرا، داوری و طرفین اغلب حوزه خصوصی را که در آن عمل می کردند ترک می گویند. طرف برنده به همان شیوه‌ای که طرف بازنده در پی استمداد از دادگاه برمی آید تا مانع اجرای رأی شود از دادگاه درخواست مساعدت می کند. شناسایی و اجرای آراء خارجی به ویژه زمانی که قوه قهری دادگاه‌های دولتی برای اجرای رأی توسط محکوم علیه لازم است از نظر عملی ضرورت می یابد. چنانچه محکوم علیه از رأی تبعیت نکند، بدون توسل به قوه قهری دولت که معمولاً توسط دادگاه‌ها اعمال می شود امکان اجرای رأی وجود ندارد.

در اکثر موارد، اجرای رأی شناسایی آن را مفروض می گیرد و این دو اصطلاح چنان می نماید که در هم تنیده اند. علت این امر از جهتی این است که کنوانسیون نیویورک و سایر مقررات ذی ربط از "شناسایی و اجرا" یاد می کنند. به طور کلی، وقتی رأی اجرا می شود مورد شناسایی هم قرار می گیرد. البته ممکن است مواردی باشد که رأی مورد شناسایی قرار گیرد ولی اجرا نشود. در نتیجه، می توان میان شناسایی و اجرا تفکیک نهاد.^۱

شناسایی می تواند هنگامی سودمند باشد که طرف بازنده اقدام به طرح دعوا به خاطر موضوع یا همه موضوعات رسیدگی شده در رأی داوری می کند. شناسایی رأی، مانع از جریان رسیدگی در دادگاه نسبت به امور رسیدگی شده در رأی خواهد شد. شناسایی ممکن است به دلایل مالیاتی یا مالی هم مفید باشد؛ یکی از طرفین شاید بخواهد به این دلیل رأی مورد شناسایی قرار گیرد که دلیل بدهی با طلب باشد. اجرا معمولاً فرایندی قضایی است که با همزمان با شناسایی یا به دنبال آن صورت می گیرد و به مأموریت و وظیفه رأی ترتیب اثر می دهد. اجرا می تواند به مثابه شمشیر عمل کند از این جهت که طرف برنده از دادگاه درخواست مساعدت می کند تا با اعمال قدرت خود و به کارگیری ضمانت اجرای قانونی در صورت عدم تبعیت یا خودداری از تبعیت داوطلبانه طرف دیگر، رأی را به اجرا در آورد. نوع ضمانت اجرایی که در اختیار دادگاه قرار دارد از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند و ممکن است شامل توقیف اموال محکوم علیه، مسدود کردن حساب‌های بانکی یا حتی در موارد حاد، حکم توقیف شخص شود.

۳) رژیم اجرای آراء داخلی

مقررات ملی برای اجرای آراء داخلی اهمیت زیادی برای داوری بین‌المللی دارد. اغلب، آراء منبعث از رسیدگی داوری بین‌المللی در واقع بر اساس رژیم مربوط به آراء داخلی اجرا می شوند. هر چند هر دولتی آزاد است مشخص کند چه آرائی را داخلی محسوب می کند، معیار ذی ربط معمولاً محل داوری است. از

1. Mark Dallal Islamic Republic of Iran, and, Bank Mellat (formerly International Bank of Iran), Case No. 149 : Award No. 53-149-1 of 10 1986, NO1, pp 547,553



این رو، شناسایی و اجرای آراء صادره در داخل کشور معمولاً تابع مقررات مربوط به آراء داخلی است؛ صرف‌نظر از این که داوری منشأ رأی، خصلت ملی یا بین‌المللی داشته باشد.

قانونگذار ملی معمولاً در تنظیم نحوه شناسایی و اجرای آراء داخلی آزاد است. هیچ کنوانسیون بین‌المللی وجود ندارد که ضابطه‌ای حداقلی همانند آنچه در مورد آراء خارجی وجود دارد وضع کند. البته، به طور کلی، قوانین ملی در مورد آراء داخلی هم رویکردی به نفع اجرا اتخاذ کرده اند. مقررات ذی ربط نوعاً تصریح می‌کنند که آراء داخلی باید همانند رأی دادگاه مورد شناسایی و اجرا قرار گیرند و البته دلایل بسیار معدودی هم برای امتناع از اجرا ذکر می‌کنند.

در واقع، آراء داخلی اغلب به طور خودکار شناسایی می‌شوند به نحوی که هر گونه تصمیم در زمینه شناسایی فقط خصلت اعلامی دارد. در این موارد، رسیدگی در دادگاه فقط برای اجرای رأی ضرورت دارد.

از این تفاوت که بگذریم، مقررات مربوط به شناسایی و اجرا اغلب بازتابی از مقررات مربوط به آراء خارجی است. البته پاره‌ای تفاوت‌ها ممکن است در زمینه شرایط شکلی شناسایی و اجرا وجود داشته باشد. قوانین داوری گاه شرایط سهل‌تری برای آراء داخلی در مقایسه با آراء خارجی وضع می‌کنند. به طور مثال در قانون آلمان چنین است و بخش ۱۰۶۴ (۱) قانون آیین دادرسی مدنی فقط تسلیم نسخه‌ای از رأی را برای اجرا لازم می‌دارد.^۱

همچنین در مورد علل و موجبات امتناع از شناسایی و اجرا هم تفاوت‌های کمی وجود دارد. مقررات مربوط به آراء داخلی ممکن است سهل‌تر باشد؛ مثلاً، در هلند فقط به دلایل نظم عمومی می‌توان از اجرای رأی خودداری کرد. این مقررات اغلب سخت‌گیرانه‌تر هم هست. به عنوان مثال، بر اساس قانون ایتالیا، آراء داخلی می‌توانند به دلیل آن که بعد از انقضای مهلت ذیربط صادر شده‌اند یا فاقد دلایل صدور هستند یا مقرر داوری را ذکر نمی‌کنند، مورد اعتراض قرار گیرند. در مورد اجرای رأی خارجی علل و موجباتی از این دست وجود ندارد.^۲

در صورتی که از شناسایی و اجرای رأی داخلی خودداری شود، این امر ممکن است به طور خودکار موجب ابطال رأی شود. "ابطال رأی در این موارد نتیجه منطقی این واقعیت است که علل امتناع از شناسایی و اجرای رأی اغلب همان علل توجیه‌کننده اعتراض به رأی بوده و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به دعاوی اعتراض و اجرا یکی هستند.

1. Kill, "Recognition and Enforcel) Merit of Freigin Arbitral Awards in Genriiuty ". International Arbitration Law Review, 160 (2002), p 161

۲. خزایی، حسین، شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۹، ۱۳۷۷، ص ۶۶



برغم این تفاوت‌ها، رژیم اجرای آراء داخلی عموماً تا حد زیادی شبیه رژیم اجرای آراء خارجی است. دست کم در کشورهای متعاهد کنوانسیون نیویورک غالباً وضع به همین منوال است، چرا که ماده ۳ بر این تعهد تصریح می‌کند که مقررات اجرای آراء خارجی نمی‌تواند در اساس سخت‌گیرانه‌تر از مقررات مربوط به آراء داخلی باشد.

۴) شناسایی و اجرای آراء خارجی

لازم به اشاره است که دولت خارجی علاقه بیشتری به شناسایی و اجرای رأی دادگاه کشور دیگر در قیاس با رأی صادره از داوران خصوصی که اختیار خود را از توافق طرفین اخذ کرده‌اند، خواهد داشت. اما واقعیت این است که اجرای رأی داوری نسبت به رأی دادگاه خارجی بسیار آسان‌تر است. این امر مدیون ویژگی منحصر به فرد کنوانسیون نیویورک و منطق دوگانه آن است که اجرای آراء داوری خارجی را ساده‌تر می‌کند و قواعد ملی مربوط به اجرا را هماهنگ می‌سازد. در مقابل، سند بین‌المللی مشابهی در خصوص اجرای آراء محاکم خارجی وجود ندارد. با آن که چندین کنوانسیون منطقه‌ای و دوجانبه وجود دارد، این شبکه پیچیده کنوانسیون‌ها، بسیاری از نظام‌های قضایی را تحت پوشش نمی‌گیرد؛ به طور اخص، ایالات متحده عضو هیچ موافقت‌نامه چندجانبه مربوط به اجرای آراء دادگاه‌های خارجی نیست. کنوانسیون نیویورک ستون اصلی رژیم بین‌المللی اجرای آراء داوری خارجی را تشکیل می‌دهد. به علاوه، چند کنوانسیون بین‌المللی دیگر^۱ و معاهدات دوجانبه هم اجرای آراء داوری خارجی را پیش‌بینی می‌کنند. این تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی غالباً با مقررات خودسامان قانون ملی داوری که اجرای آراء داوری خارجی را مقرر می‌دارند تکمیل شده است.

۴-۱) کنوانسیون نیویورک

با رونق چشمگیر تجارت بین‌المللی در قرن بیستم، نیاز به تمهید یک مکانیسم مناسب حل و فصل اختلاف، به صورت یک واقعیت انکارناپذیر بروز کرد و همین واقعیت چنان خود را بر آرمانهای ملی مربوط به تحکیم و تقویت حاکمیت قضایی تحمیل نمود که بدینی فراگیر نسبت به داوری، در مدتی نه چندان طولانی جای خود را به استقبال عام از این شیوه حل و فصل اختلاف، به ویژه در زمینه اختلافات تجاری بین‌المللی داد. اولین انعکاس قابل توجه این واقعیت در انعقاد پروتکل ژنو ۱۹۲۳ در زمینه شروط داوری و کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ در مورد اجرای آراء داوری خارجی دیده می‌شود. علی‌رغم نکات قوت موجود، نقاط ضعف آشکار این معاهدات، اندیشه تکامل نظام حقوقی حاکم بر این مکانیسم حل اختلاف را در مراجع و نهادهای دیگر با موضوع، تقویت کرد و به ویژه اتاق بازرگانی بین‌المللی را بر آن داشت که در

۱. کنوانسیون واشنگتن، ۱۹۶۵ (شناسایی و اجرای احکام داوری)



تدارک کنوانسیون برای بهبود وضعیت اجرای آرای داوری صادره در اختلافات تجاری بین‌المللی باشد. نهاد مزبور بدین منظور طرح کنوانسیون ناظر به شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی را به سال ۱۹۵۳ تهیه و به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تقدیم نمود. عدم آمادگی بیشتر کشورهای جهان برای پذیرش داوری و رأی بین‌المللی مستقل از هرگونه نظام حقوق ملی و به تبع، احتمال عدم اقبال عمومی نسبت به چنین کنوانسیونی، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را وادار به ارائه طرح کنوانسیون دیگری در زمینه اجرای آرای داوری خارجی و نه بین‌المللی و ارسال آن کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی جهت کسب نظرات، اصلاحات و پیشنهادهای احتمالی کرد. پس از جمع‌آوری توصیه‌ها و پیشنهادات، شورای مزبور اقدام به تشکیل کنفرانس موعد از تاریخ بیستم مه تا دهم ژوئن ۱۹۵۸ در نیویورک نمود.^۱

کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک یکی از کنوانسیون‌های بین‌المللی است که بیشترین مقبولیت را کسب کرده و رژیم ایجاد شده در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو را به طور اساسی بهبود بخشیده است. این کنوانسیون به طرز چشمگیری اجرای آراء داوری خارجی را تسهیل نموده و قواعد ملی اجرای این آراء را هماهنگ کرده است. کنوانسیون نیویورک بسیار مورد ستایش قرار گرفته و ستون استوار عمارت داوری بین‌المللی^۲ و نیز موثرترین مصداق از قانونگذاری بین‌المللی در تاریخ حقوق تجارت خوانده شده است. در بیست سال گذشته تعداد کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک افزایش شدیدی یافته است. در ژانویه ۲۰۰۳، این تعداد بالغ بر ۱۳۳ کشور بود که از آلبانی تا زیمبابوه را در بر می‌گرفت. به همین دلیل، تعداد طرف‌هایی که خواهان اجرای آراء داوری خارجی مطابق مفاد کنوانسیون بوده اند نیز افزایش داشته است.^۳

ماده ۳ کنوانسیون نیویورک با صراحت مقرر می‌دارد که هر کشور متعاقد آراء داوری را الزامی خواهد شناخت و آنها را مطابق قواعد آیین دادرسی سرزمینی که رأی در آن مورد استناد قرار گرفته اجرا خواهد کرد. به علاوه، ماده ۳ لازم می‌دارد که رأی خارجی بدون تشریفات غیر ضروری با هزینه‌های گزاف قابل اجرا باشد و شرایط اجرا نباید سنگین‌تر از شرایط اجرای آرای داخلی باشد.

حاصل تلاش‌های کنفرانس نیویورک کنوانسیون فراگیر و جهانشمول نیویورک است که بی تردید، قبول عام خود را مرهون توجه خردمندانه به میزان آمادگی و نوع بینش کشورهای مختلف جهان در زمان انعقاد این کنوانسیون و جمع و تلفیق مصالح معارض و سرانجام اعمال اصلاحات کارآمد در معاهدات ژنو است. اهم این اصلاحات عبارتند از توسعه قلمرو و حذف شرط تفاوت تابعیت طرفین اختلاف یا تفاوت صلاحیت قضایی حاکم بر طرفین، حذف سیستم دستور اجرای دوگانه از طریق حذف شرط نهایی بودن

۱. جنیدی، لعیا، کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرای آن، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۵۵.

2. Eiler, The Present status of the International Court of Arbitration in the ICC: An Appraisal, Rey International Arbitration Law Review, 91 (1990), 119

3. Mustill, "Arbitration: History and Background", International Arbitration No 43, (1989), p 49.



رای و جایگزین کردن آن با شرط الزام آور بودن رای، تغییر بار دلیل از عهده درخواست کننده اجرا بر عهده معترض، جایگزین نمودن اصل حاکمیت اراده به جای حکومت قانون مقرر بر ترکیب دیوان و آئین داوری، به دست دادن قاعده عام لزوم کتبی بودن قرارداد داوری در مورد شکل قرارداد، بجای ارجاع این امر به نظام های حقوق ملی و به تبع، بروز راه حل های متفاوت و رویه های متعارض، و بالاخره تعدیل در مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای. نه تنها الحاق بیش از دو سوم کشورهای جهان تصویر اجمالی از میزان اهمیت و موفقیت این کنوانسیون را نشان می دهد، آمار ارائه شده در کنفرانس موسسه داوری سوئیس، تصویر روشن تری از موفقیت عملی کنوانسیون نیویورک به دست می دهد. مطابق این آمار از بیش از هفتصد حکم صادره در افزون بر ۳۵ کشور متعاهد، دادگاه ها در بیش از نود و پنج درصد موارد آرای داوری را اجرا کرده اند.^۱

۲-۴) قوانین ملی و قوانین نمونه

قوانین ملی داوری هم معمولاً دربردارنده مقرراتی راجع به اجرای آراء داوری خارجی هستند. معدودی از این قوانین رژیم ملی واقعا مستقل و خودسامانی پیش بینی می کنند که انحراف زیادی از رژیم کنوانسیون نیویورک دارد. یک نمونه عبارت از فرانسه است که ابطال رأی در کشور مبدأ علت و موجبی برای امتناع از اجرای رأی به شمار نمی رود.^۲

قوانین دیگر معمولاً عین متن کنوانسیون های بین المللی ذی ربط را در خود جای می دهند و قواعدی شکلی برای اجرای ملی اضافه می کنند یا صرف مقرر می دارند که اجرای آراء خارجی تابع کنوانسیون نیویورک خواهد بود.

ماده ۳۶ قانون نمونه که علل و موارد امتناع از اجرای رأی توسط دادگاه دولتی را برمی شمارد، آیین ماده ۵ کنوانسیون نیویورک است. از این مهمتر، شرط عمل متقابل به چشم نمی خورد؛ شرایط ذکر شده، ضوابطی حداکثری است و دولت ها را تشویق می کند شرایط حتی سهل تر و آسانتری در پیش گیرند. قانون یکنواخت داوری اوهادو^۳ هم حاوی قواعدی برای اجرای آراء داوری است. طرفی که مایل است به رأی استناد نماید بایستی وجود رأی را بر مبنای همان شرایط مقرر در کنوانسیون نیویورک محرز سازد. در مواردی که رأی آشکارا مغایر نظم عمومی بین المللی کشورهای عضو است از شناسایی و اجرای رأی

1. van den Berg, "The New York Convention: Its Intended Effects, Its Interpretation, Salient Problem Areas", The New York Convention of 1958, A Collection of Reports and Materials Delivered at the ASA Conferences Held in Zurich on 2 February 1996, (ASA) Swiss Arbitration Association Special Series (1996), No. 9, p 25

2. Maischer, "Experience with Bilateral Treaties", International Congress and Convention Association Congress Series no. See. 47. 452, 9

3. Organization for the harmonization of business law in africa. See also www.ohada.com; mayer, ORGANIZATION FOR THE HARMONIZATION OF BUSINESS LAW IN AFRICA: droit larbirage (Bruyart 2002), 221 et seq



خودداری خواهد شد. که تصمیم قضایی مبنی بر عدم اجرای رأی فقط توسط دادگاه مشترک دادگستری و داوری قابل ابطال است. تصمیم قضایی مبنی بر موافقت با اجرای رأی تابع هیچ تجدیدنظری نیست.

۳-۴) رابطه میان رژیم‌های مختلف: ماده ۷ کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون نیویورک حداقلی از شرایط شکلی برای اجرای آراء و ضوابطی حداقلی برای امتناع از اجرا وضع می‌کند. کنوانسیون کشورهای عضو را از محدود ساختن علل و موجبات امتناع از اجرا که در ماده ۵ ذکر شده باز نمی‌دارد و به این طریق به آنان اجازه می‌دهد قانون مساعدتری برای داوری پدید آورند. به همین دلیل، ماده ۷ مقرر می‌دارد طرفی که می‌خواهد رأی را تأیید کند می‌تواند به حق مساعدتر برای اجرا استناد نماید. نمونه‌هایی از رژیم‌های مساعدتر برای اجرا را می‌توان در کنوانسیون‌های چند جانبه، معاهدات دوجانبه و قوانین خودسامان ملی برای اجرا پیدا کرد.

در مورد اجرای ماده ۷ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مطابق یک دیدگاه ماده ۷ به طرف‌ها اجازه می‌دهد میان رژیم‌های مختلف دست به انتخاب بزنند، ولی نه آن که به دلخواه این انتخاب را انجام دهند. دیدگاه دیگر این است که ماده ۷ به طرفین اجازه می‌دهد به مقررات مساعدتر استناد جویند؛ حتی در مواردی که تقاضای اجرا بر اساس کنوانسیون نیویورک صورت گرفته است. این دیدگاه دوم با خط‌مشی قطعی کنوانسیون در حمایت از اجرای رأی مطابقت دارد و همزیستی مقررات مساعدتر در قوانین ملی یا استناد بین‌المللی را ممکن می‌سازد.

مقررات مساعدتر به خصوص در مورد آراء ابطال شده در کشور مبدأ رأی وجود دارد؛ مثلاً، در فرانسه این امر به عنوان دلیلی مستقل برای امتناع از اجرا پذیرفته نشده است. کنوانسیون اروپایی هم این مبنا برای خودداری از اجرا را محدود می‌کند.

برغم عبارت‌های ماده ۷، فقط طرف متقاضی اجرا می‌تواند به این ماده استناد نماید. هدف کنوانسیون تسهیل اجرای آراء از طریق منظور داشتن تعداد محدودی از استثنایا بر اجرای رأی است. چنانچه خواننده اجازه می‌داشت مبنایی برای اجرا که به حال وی مناسب‌تر و مساعدتر است بیابد ضابطه حداقلی کنوانسیون براحتی دور زده می‌شد.

۵) علل امتناع از اجرا

تعهد دادگاه ملی برای شناسایی و اجرای آراء داوری به نحو مقرر در ماده ۳ کنوانسیون نیویورک مقید به استثنایایی محدود است. فقط در صورتی می‌توان از شناسایی و اجرای رأی خودداری ورزید که طرفی که اجرا علیه وی خواسته شده بتواند ثابت کند که یکی از علل انحصاری امتناع که در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون



نیویورک ذکر شده رخ داده است. دادگاه در صورتی می‌تواند به ابتکار خود از اجرا امتناع ورزد که رأی ناقض نظم عمومی آن دولت باشد.^۱

تمام علل امتناع از اجرا را باید به نحو مضیق تفسیر و تاویل کرد؛ اینها استثناهایی بر قاعده کلی لزوم شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی است. کنوانسیون ضوابطی حداکثری در این زمینه وضع می‌کند؛ به نحوی که دولت‌های متعاقد نمی‌توانند قوانینی تصویب کنند که علل دیگری برای امتناع از شناسایی و اجرا اضافه می‌کند. بررسی و نگاه مجدد به رأی در مرحله اجرا جز به هنگام طرح دفاع نظم عمومی محدود به موضوعات شکلی فهرست شده در بند ۱ ماده ۵ است. کنوانسیون اجازه بررسی مجدد ماهیت رأی را نمی‌دهد. و بالاخره باید تأکید کرد که بندهای ۱ و ۲ ماده ۵ لحن ترخیصی دارند. دادگاه می‌تواند ولی ملزم نیست در صورت تأمین شدن یکی از موارد استثناشده از اجرای رأی امتناع کند.

بنابراین، حتی در صورتی که یکی از علل فهرست شده که امتناع از اجرا را توجیه می‌کند توسط طرف مخالف اجرا اثبات شود، دادگاه باز در مورد اجرا دارای اختیار عمل است. دیوان عالی هنگ کنگ در تصمیمی به سال ۱۹۹۴ به شیوایی این مطلب را بیان کرده است: «... علل مخالفت با اجرا قرار نیست به صورت انعطاف ناپذیر اعمال شود. صلاحدید پابرجای دادگاه اجرا کننده به وی امکان می‌دهد در کلیه اوضاع و احوال به نتیجه‌ای عادلانه نائل شود.»^۲

البته در برخی کشورها کلمه "می‌تواند در ماده ۵ به معنای "باید" تفسیر شده است و در صورت وجود یکی از علل امتناع از اجرا هیچ اختیار و صلاحیدیدی برای دادگاه‌ها باقی نمی‌ماند.^۳

اولین گروه از استنها "حق رأی باخته بر داوری عادلانه را تقویت می‌کند. این موارد به صورت حصری در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک بیان شده و به دادگاه‌های ملی اختیار می‌دهد رأی مخدوش با بی‌قاعدگی‌های شکلی را رد یا ابطال کنند. دادگاه‌ها حتی اختیار دارند چنانچه تصمیمات در امور ارجاع شده به داوری از امور ارجاع نشده قابل تفکیک باشد رأی را به صورت جزئی اجرا نمایند.^۴

۱-۵) بی‌اعتباری موافقت نامه داوری

بنابر مفاد این دو مقرره اصل بر صحت قرارداد داوری است مگر آنکه بطلان آن احراز شود. در نتیجه همین مقدار که قاضی موافقتنامه داوری را آشکار باطل نیابد کافی است که طرفین را به داوری رهنمون سازد. دلیل این امر آن است که وقتی طرفین به داوری مراجعه نمایند براساس ماده ۱۶ قانون داوری داور

1. Craig, "Some Trends and Developments in the Law and Practice of International Commercial Arbitration", 30 Texas Int'l LJ (1995), 9

1. Hong Kong, supreme Court, 13 July 1994, China National Oil Joint service, International Commercial Arbitration, 2005, p 671

2. See Hong Kong, Supreme Court, 13 July 1994, Childa Nitional Oil Joint Service Corp. 96

3. Holdings Co Ltd, (195) Yerba Buena Center for the Arts 671, 677. Grininy, Binstrichiuslil 2 Ncuiller 20(0), ZIP 227(2000) 2271



می‌تواند راجع به اعتبار موافقتنامه داورى نیز اتخاذ تصمیم کند یعنی داور موظف است احراز نماید که آیا شرط داورى صحیح یا باطل است و چنانچه داور براساس احراز صحت موافقتنامه حکم منقضی صادر کرد طرف متضرر اگر به اعتبار قرارداد داورى معترض باشد می‌تواند از قاضی دولتی ابطال حکم داورى را درخواست کند، قاضی در این مجال نیز فرصت خواهد یافت که اعتبار موافقتنامه را بررسی کند در هر صورت اگر قرارداد داورى فاقد یکی از شرایط شکلی یا ماهوی صحت آن باشد براساس بند ب ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بین‌المللى و بند الف ماده ۵ کنوانسیون نیویورک قاضی دادگاه بنا به درخواست هر یک از طرفین در صورت احراز بی‌اعتباری نسبت به ابطال آن اقدام نماید لیکن کل مناقشه آن است که مناط اعتبار یا بی‌اعتباری موافقتنامه داورى کدام قانون است.

شق الف بند ۱ ماده ۵ در حقیقت در دفاع متفاوت در برابر اجرا پیش‌بینی می‌کند: فقدان اهلیت یکی از طرفین و بی‌اعتباری موافقتنامه داورى. دادگاه می‌تواند در صورت اثبات مورد زیر از اجرای رأی امتناع کند:

طرفین موافقتنامه مذکور در ماده ۲ مطابق قانون حاکم بر آنان از جهتی فاقد اهلیت بوده‌اند یا موافقتنامه مزبور به موجب قانونی که طرفین موافقت نامه را تابع آن ساخته‌اند یا در صورت عدم تعیین قانون حاکم، به موجب کشوری که رأی در قلمرو آن صادر شده معتبر نباشد.

۱-۱-۵) فقدان اهلیت

یکی از انواع فقدان اهلیت به داورى‌هایی مربوط می‌شود که یک طرف آن دولت است و به دفاع مصونیت دولت استناد می‌نماید (گو این که این مسئله بیشتر به داورى پذیرى شخصی ارتباط می‌یابد). مصونیت دولت به مواردی محدود است که دولت در کسوت و ظرفیت حاکمیتی خود عمل می‌کند در صورتی که دولت در حیات و فعالیت تجاری مشارکت جوید مصونیت قابل اعمال نیست. به علاوه، دولت همواره می‌تواند مصونیت خود را اسقاط کند. دادگاه عالی ایتالیا در پرونده مربوط به اجرا (با نقل نظر هیئت داورى به این مسئله تصریح کرده است: «... ما معتقدیم بر اساس قانون حاکم بر تجارت بین‌المللى که در قضیه حاضر لزوماً حاکم بر شرط داورى است، اشخاص حقوقی حقوق عمومی بدون شک، جز در صورتی که طرفین صراحتاً به نحو دیگری توافق کرده باشند، می‌توانند، مستقل از ممنوعیت‌های داخلی، با ابراز رضایت خود بر داورى توافق نمایند و در بازار بین‌المللى در شرایط مشترک نسبت به همه عاملان سهم شوند»^۱

1. See Tunisia, Court of First Instance of Tunis, 22 March 1976, Societe Tunisienne d'Electricite et le Guz (STEG) v Societe Entropse (France), ill Yerba Buena Center for the Arts 283 (1978)



تصمیم دادگاه ایتالیا را می‌توان پیشرفته‌ترین موضع در این حوزه دانست و مفهوم اهلیت بین‌المللی که در آن مطرح شده برای اختلافات تجاری بین‌المللی بسیار مناسب است. به رغم این دیدگاه جدید، طرف‌های دولتی همچنان در برخی نواحی دنیا می‌توانند با موفقیت با استناد به فقدان اهلیت انعقاد موافقت‌نامه داوری مانع اجرای رأی شوند.^۱

اهلیت یک طرف برای انعقاد موافقت‌نامه داوری ممکن است با لزوم اخذ مجوزهای ویژه برای معاملات تجاری خارجی با فقدان اختیار شخص امضاکننده موافقت‌نامه داوری هم محدود شود.^۲

۲-۱-۵) عدم اعتبار

دفاع عدم اعتبار موافقت‌نامه موجب پیدایش رویه قضایی قابل توجهی شده است. در مواردی که موافقت‌نامه داوری مبهم بوده یا به نحو معتبر امضا نشده از اجرای رأی خودداری شده است. با آن که روشن است که اعتبار ماهوی باید مطابق قانون منتخب طرفین یا در صورت عدم انتخاب، مطابق قانون محل داوری مشخص شود، دیدگاه‌های مختلفی در مورد شرایط شکلی ذی ربط وجود دارد.^۳

مویدی بر این دیدگاه وجود دارد که اشاره شق الف بند ۱ ماده ۵ به "موافقت‌نامه مذکور در ماده ۲" لازم می‌دارد که اعتبار شکلی که غالباً ارتباط جدایی‌ناپذیری با مسئله رضایت دارد، بر اساس ماده ۲ مشخص شود. در مواردی که تقاضای شناسایی رأی بر اساس کنوانسیون نیویورک به عمل آمده است استناد به شرایط شکلی مساعدتر ملی منتفی است. بنابراین فقط در صورتی می‌توان به این شرایط استناد جست که تقاضای اجرای رأی مطابق رژیم ملی مساعدتر صورت گرفته باشد.^۴

دیدگاه دیگر این است که اعتبار شکلی تابع قانون منتخب طرفین با قانون محل داوری است. اشاره ای به ماده ۲ توصیف زاید و اضافی موافقت‌نامه داوری دانسته شده است. مزیت این دیدگاه در این است که شرایط شکلی که سهلتر از ماده ۲ است می‌تواند در چارچوب کنوانسیون مورد توجه قرار گیرد. ماده ۲ فقط حاوی ضابطه‌ای حداکثری است که قانون‌گذار ملی نمی‌تواند از آن عبور کند. تفاوت دیدگاه‌ها تأثیر زیادی بر اعتبار موافقت‌نامه‌های داوری مندرج در تأییدیه‌ها دارد. این موافقت‌نامه‌ها از نظر شکلی مطابق ماده ۲ معتبر نیستند بلکه بر اساس بسیاری از قوانین ملی اعتبار دارند.

1. See Italy, Core de cassazione, 9 March 1996, no 4342, Societe Arabe les Engravis Piosp/ites et Azotes - SAEPA (Tunisia) and Societe Industrielle d'Acide Phosphorique et d'Engrais - SIAPE (Tunisia) v Cerructico srt (Italy), Yerba Buena Center for the Arts 737 (1997) 742.

2. See ICC cause no 6850, Yerba Buena Center for the Arts 37 (1998); Court of Cassation Dubai, 25 June 1994, 11 ALR N-62 (1998).

3. Corte di Appello Florence, 27 January 1988, Easter Mediterrule/ Marifine Lil SpA Cerealtoscania, Yerba Buena Center for the Arts 496 (1990)

۴. حبیبی مجنده، پیشین، ص ۷۰۶

5. Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Germany", 5 In ALR 160 (2002) 166; Fouchard Guillard Goldman on International Commercial Arbitration, para 271; Oberlandesgericht Dresden. 12 January 1999, 11 Sch 6/98, unreported



۵-۲) نقض تشریفات قانونی دادرسی

مطابق شق (ب) بند ۱ ماده ۵، یکی از مواردی که ممکن است از شناسایی و اجرای رأی خودداری شود جایی است که طرف مخالف اجرا دلیلی ارائه دهد که: «... به طور صحیح از تعیین داور یا جریان رسیدگی داوری مطلع نشده یا به علتی دیگر قادر به ارائه مواضع خود نبوده است. تأکید افزوده شده.»^۱

این دفاع به تشریفات قانونی دادرسی عادلانه مربوط می‌شود و بند یاد شده در کنوانسیون به طور خاص حق بر استماع دیدگاه‌ها را منظور می‌کند. علت و فلسفه این دفاع این است که اطمینان حاصل شود برخی ضوابط دادرسی منصفانه توسط هیئت داوری رعایت شود. در این قسمت از ماده ۵ دو جنبه از دادرسی منصفانه پیش‌بینی شده است: اول این که باید اطلاع درست و صحیح داده شود؛ دوم، هر یک از طرفین باید قادر باشد ادعاها و مواضع خود را ارائه دهد. کنوانسیون در خصوص معیار انصاف به اندازه کافی به جزئیات پرداخته است؛ ظاهره، رعایت ضوابط مقرر در قانون منتخب طرفین برای حکومت بر داوری یا قانون محل داوری کفایت خواهد کرد. اما این دیدگاه هم که ماده ۵ (۱) (ب) قاعده‌ای واقع بین‌المللی است متقاعدکننده است. در نهایت مسئله نقض تشریفات قانونی یک امر موضوعی است که طرفین بایستی اثبات کنند.^۲

۵-۲-۱) اطلاع صحیح

اطلاع صحیح همواره باید به طرفین داده شود. عدم اطلاع صحیح شامل فقدان اطلاع یا وصول اطلاعات بعد از صدور رأی می‌شود. این موارد به ندرت اتفاق می‌افتند. اطلاع با فاصله زمانی کوتاه معمولاً شرط اطلاع صحیح را نقض نمی‌کند چون در برخی صنایع و بخش‌های تجاری متداول است.^۳

مهمترین موضوع این است که آیا اطلاع دادن به موقع و مناسب بوده است یا خیر، البته اغلب لازم می‌آید تفسیری باز و سهل‌گیرانه از قانون ملی به عمل آید. در پرونده‌ای نزد دادگاه استیناف مکزیک نظر داده شد که شرط قانون مکزیک اسقاط شده بود چون طرفین خیر. داوری را برگزیده بودند. رأی قابل اجراست، چون طرفین از شرایط مقرر در قواعد داوری حاکم تبعیت کرده‌اند. برای جلوگیری از این اعتراض که نامه‌ای دریافت نشده بایستی مکاتبات مهمی با پست یا پیک سفارشی با قبض رسید صورت بگیرد.

نه فقط مطلع ساختن از جریان رسیدگی بلکه سایر اطلاع‌ها دادن‌ها، مانند افشای اسامی داوران، هم باید مناسب و درست باشد. در موردی استثنایی، دادگاه استیناف آلمان در کولونی از اجرای رأی صادره بر

1. See van den Berg, New York Convention, 298, with reference to case law in footnote 186
2. See, ep. Sesotris SAEy Transporters Naiales, 727 F Supp 737, Yerba Buena Center for the Arts 640 (1991) (District Court, D Mass, 1989); Bayerisches Oberlandesgericht, 16 March 2000), RPS 22000, Beilage 12 zu Heft 50 BetriebsBerater 15 (2000),



اساس قواعد داوری کمیته کپنهاگی برای تجارت غلات و مواد غذایی که اجازه عدم افشای اسامی داوران را میداد امتناع ورزید.^۱

۲-۵) عدم وجود فرصت کافی برای دفاع

این دفاع به طور روشن در تصمیمی از دادگاه استیناف ایالات متحده تعریف شده است. این دادگاه نظر داده است که این دفاع: «... اساسا با این دفاع مربوط به تشریفات قانونی دادرسی مطابقت می‌کند که فرصت استماع در زمان معنادار و به شیوه معنادار به یک طرف داده نشده است... بنابراین، در صورتی که طرف اعتراض‌کننده به رأی اثبات کند که فرصت معناداری برای استماع به نحوی که رویه مربوط به دادرسی منصفانه تبیین می‌کند به وی داده نشده است باید رأی داوری رد یا لغو شود...» روشن است که داور باید استماعی اساسا عادلانه فراهم آورد... استماع اساسا عادلانه استماعی است که شرایط حداقلی انصاف - اطلاع کافی، استماع ادله، و تصمیم بی طرفانه داور را تأمین نماید. ضوابط منصفانه بودن رسیدگی در سایر پرونده‌های امریکایی مورد بحث قرار گرفته است. معمولا به ضوابط قانون ملی در خصوص بی طرفانه و مستقل بودن هیئت داوری اشاره شده است. برخی قوانین ملی فرصت کامل به طرفین جهت ارائه پرونده و مواضع خود می‌دهند؛ قوانین دیگر فرصتی معقول را لازم می‌شمارند.

موضوعات خاصی که می‌تواند به عنوان دلیلی برای اعتراض به رأی مطرح شود شامل موارد ذیل است: این که یک طرف قادر نبوده است در اخذ ادله با جریان کشف ادله مشارکت کند، این که یک طرف از حق ارائه برخی ادله، با اظهار نظر در مورد گزارش کارشناسی تسلیم شده به هیئت داوری محروم شده است، یا ضوابط رسیدگی توافقی که هیئت داوری اتخاذ کرده یک طرف را از حق بنیادی وی به دفاع محروم ساخته است. البته فقط لازم است هیئت داوری به طرفین فرصت دهد پرونده خود را ارائه نمایند. این که یک طرف در واقع از این فرصت استفاده می‌کند یا نمی‌کند یا به چه شیوه‌ای استفاده می‌کند، معمولا لطمه‌ای به قابل اجرا بودن رأی وارد نمی‌آورد.

نکته ضروری این است که تکلیفی بر عهده طرفین وجود دارد تا فوراً مخالفت و اعتراض کنند؛ یعنی در صورتی که واقعیات ذیربط بر طرف اعتراض‌کننده معلوم باشد اعتراض باید نخست در خلال جریان داوری طرح شود. در غیر این صورت، طرف مزبور ممکن است از طرح اعتراض نزد دادگاه اجراکننده منع شود چرا که این کار به هدف کنوانسیون نیویورک لطمه می‌زند.

1. See Oberlandesgericht Cologne, 10 June 1976, Converter Ivy em Bitcoin Atom, 258 (1979)



نتیجه‌گیری

ماحصل فرآیند داوری، رأی است که گرایش قانون‌گذار داخلی و مراجع بین‌المللی بر ثبات و اعتبار بخشی به آن می‌باشد، به همین لحاظ اصل بر قطعیت آراء داوری، شناسایی و اعتبار آنهاست لیکن با توجه به پیچیدگی اختلافات تجاری بویژه بین‌المللی، تعدد مقررات شکلی و ماهوی حاکم بر موضوع اختلاف، نسی بودن تخصص داوران در زمینه‌های حقوقی در جهت احترام به حقوق طرفین، روش‌هایی برای مقابله با آراء ناعادلانه پیش‌بینی شده است که محدود و منحصر به موارد خاصی است و به عنوان استثنایی بر اصل صحت و قطعی بودن آراء داوری در نظر گرفته شده‌اند.

از آنجا که نگرش کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به آراء داوری از استقبال عمومی کشورها برخوردار گردید. قانون نمونه آنستیرال نیز برای بهره‌مندی از این مزایا تلاش نموده است در زمینه برخورد با آراء داوری با کنوانسیون مزبور هماهنگ و همسو باشد. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز بسیاری از مقررات خود را از قانون نمونه آنستیرال اقتباس نموده است. بنابراین نوعی وحدت حقوقی بین مقررات بین‌المللی و حقوق بین‌المللی خصوصی (تعارض قوانین) ایران در زمینه اعتباربخشی به آراء داوری و محدود نمودن طرق اعتراض به آنها وجود دارد. لیکن متأسفانه بین مقررات داخلی و رویه قضایی دادرسان حاکم با تفکر حاکم بر مقررات فوق هماهنگی وجود ندارد.

در داوری هنگامی که رأی صادر و قطعی می‌شود، محکوم‌له باید مطمئن باشد که حقی یا نفعی برای او محقق شده و محکوم‌علیه نیز باید یقین داشته باشد که ملزم به پرداخت یا ایفای محکوم به شده است و قطعاً باید این محکومیت را پذیرفته و به آن عمل نماید. هیچ‌یک از طرفین نباید نسبت به رأی صادره احساس تزلزل و تردید داشته باشند. به بیان دیگر، طرفین به‌هیچ‌وجه نباید نگران تجدیدنظر، تغییر یا ابطال این رأی، نه تنها در کشور محل صدور، بلکه در هر کشور دیگری (محل اجرا) باشند. این‌ها نتیجه رأی قطعی و لازمالاجراست که در واقع ایجادکننده اطمینان از رأی است. رأی داوری که در دادگاه صالح باطل شده است نیز باید واجد این ویژگی‌ها باشد. اگر اعتمادی به ابطال رأی داوری نباشد محکوم‌له فرضی، رأی را از کشوری به کشور دیگر که ابطال آن را به رسمیت نمی‌شناسد خواهد برد و محکوم‌علیه فرضی نیز به دنبال آن خواهد بود تا در آن کشور دفاع نماید که رأی وجود ندارد زیرا این رأی باطل شده است.

اگرچه عدم توجه کشورهای شناسایی یا اجراکننده رأی به ابطال رأی در دادگاه مقر داوری، ممکن است خوشایند منتفعان از رأی باشد و در آن‌ها نسبت به داوری اطمینان بیشتری ایجاد کند، با اراده اولیه طرفین داوری از یک سو و نیازهای تجارت بین‌الملل از سوی دیگر تعارض دارد. در واقع با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مقر داوری توسط طرفین موافقت‌نامه داوری، آن‌ها نظام حقوقی کشور مزبور، ازجمله نظام کنترل قضایی روند داوری توسط (دادگاه‌های) آن کشور را بر داوری خود حاکم می‌نمایند. لزوم احترام



(و تبعیت) از اراده طرفین، مستلزم عدم شناسایی و اجرای رأی است که توسط دادگاه مقر داوری ابطال شده است. همچنین ابطال رأی در صورتی که مورد پذیرش کشورها قرار گیرد، به طرفین رأی داوری اطمینان خواهد داد که یا رأی صحیح و معتبری دارند که در همه کشورهای عضو عهدنامه نیویورک قابل اجراست یا رأی باطل شده دارند که در هیچ یک از کشورهای عضو عهدنامه، قابلیت اجرا ندارد و باید در صورت تمایل در صدد اقامه دعوا در دادگاه یا در دیوان داوری جدیدی باشند. با ابطال رأی در دادگاه مقر داوری، در واقع داوری برگزار شده بین طرفین باطل می شود؛ درست مثل اینکه داوری بین طرفین وجود نداشته یا به عبارتی داوری برگزار نشده است. طرفین ضمن حصول اطمینان از موضوع، چنانکه نگران این باشند که صحت و اعتبار یک رأی، شرط ابتدایی اجرای آن است که در مورد رأی باطل وجود ندارد تا تقاضای اجرای آن امکان پذیر باشد. اساساً رأی که باطل شده است، دیگر از لحاظ حقوقی رأی نیست و نمی تواند در کشور دیگری اعتبار پیدا نماید.

شمار معدودی از کشورها معتقدند عهدنامه نیویورک در شق «ه» بند ۱ ماده ۵ ابطال رأی داوری توسط مرجع صلاحیت دار را از جمله دلایلی می داند که «ممکن است» دادگاه با توجه به آن ها از صدور دستور شناسایی و اجرای رأی خودداری نماید. با وجود این، دادگاه را «ملزم» به رد شناسایی و اجرای رأی نکرده است. به همین دلیل دادگاه های برخی از کشورهای عضو عهدنامه (مانند آمریکا)، شناسایی و اجرای رأی داوری باطل شده را در مواردی خاص و به صورت کاملاً استثنایی (مانند مستقل نبودن قاضی ابطال کننده رأی داوری) ممکن دانسته اند اما تاکنون دادگاه های مزبور علی رغم بیان استدلال مزبور، این شرایط استثنایی را احراز ننموده و در نتیجه هیچ رأی باطل شده ای بر مبنای این استدلال (یعنی استناد به «قدرت اختیاری مازاد» مندرج در صدر بند ۱ ماده ۵) اجرا نشده است. با توجه به اینکه پس از ابطال رأی داوری، دیگر رأی وجود ندارد تا مورد شناسایی و اجرا قرار گیرد، باید معتقد به فقدان اختیار دادگاه در شناسایی و اجرای آرای داوری باطل شده بود و از این اختیار باید در رابطه با سایر دلایل رد شناسایی و اجرا مانند نقض محدود و جزئی قانون داوری استفاده کرد.

استدلال دیگری که توانسته است به طور نسبی در برخی از کشورهای عضو عهدنامه منجر به شناسایی و اجرای آرای داوری باطل شده شود، اعمال قانون مطلوب تر داخلی با استناد به بند ۱ ماده ۷ عهدنامه نیویورک است که امکان بهره مندی طرف ذی نفع را از هر حقی که ممکن است برای استفاده از رأی داوری به روش و در حد مجاز در قوانین یا معاهدات کشوری که در آن به رأی استناد می شود، فراهم آورده است.



فهرست منابع و مآخذ

- جنیدی، لعیاء، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- انصاری، دکتر باقر، درآمدی بر مکانیزم‌های حل‌وفصل اختلاف تجاری بین‌المللی، مجله حوزه و دانشگاه، سال ۱۱ شماره ۴۴، ص ۱۳۸۴.
- حبیبی مجنده، محمد، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- خزایی، حسین، شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۹، ۱۳۷۷.
- جنیدی، لعیاء، کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرای آن، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۰.

___ See, e.g., Iamm and Hellbeck, "The Enforcement of Foreign Arbitral Awards under the New York Convention: Recent Developments", *international arbitration* (2002) 138

___ Van den Berg, "The New York Convention: Its intended Effects. Its Interpretation, Salient !Are" in Blessing, *The New York Convention of 1958*, Swiss Arbitration Association Special Series, no 9 (1996), p 25

___ Kerr, "Concord and Conflict in International Arbitration", *international arbitration* (1997), p 129

___ See de Boisson. "Entonenient in Action: Hauntonization Versus Unification", *Illinois Chess Coaches Association Cless Series* 109. (1987) 593

___ Mark Dallal *Islamic Republic of Iran, and, Bank Mellat (formerly International Bank of Iran)*, Case No. 149 : Award No. 53-149-1 of 10 1986, NO1, pp 547,553

___ Kill , " Recognition and Enforcel) Merit of Freigin Arbitral Awards in Genriiuty ". *International Arbitration Law Review*, 160 (2002), p 161

___ Eiler. *The Present status of the International Court of Arbitration in the ICC: An Appraisal*, *Rey International Arbitration Law Review*, 91 (1990), 119.

___ Mustill, "Arbitration: History and Backgroundinternational Arbitration No 43, (1989), p 49.

___ van den Berg, " The New York Convention: Its Intended Effects, Its Interpretation, Salient Problem Areas", *The New York Convention of 1958*, A Collection of Reports and Materials Delivered at the ASA Conferences.

___ Held in Zurich on 2 February 1996 , (ASA) *Swiss Arbitration AssociationSpecial Series*(1996), No. 9, p 25



- ___ Maischer , " Experience with Bilateral Treaties " , International Congress and Convention Association Congress Series no. See. 47. 452 ,9
- ___ Organization for the harmonization of business law in africa. See also www. ohada. com; mayer, ORGANIZATION FOR THE HARMONIZATION OF BUSINESS LAW IN AFRICA: droit larbirage (Bruyant 2002), 221 et seq
- ___ Craig, "Some Trends and Developments in the Law and Practice of International Commercial Arbitration", 30 Texas Int'l LJ (1995),9
- ___ Hong Kong , supreme Court, 13 july 1994, China National Oil Joint service, International Commercial Arbitration, 2005, p 671.
- ___ See Hong Kong, Supreine Court , 13 July 1994 , Childa Nitional Oil Joint Service Corp. 96.
- ___ Holdings Co Ltd, (195) Yerba Buena Center for the Arts 671,677. Grininy, Binstrichiuslil 2 N\cuiller 20)()(), ZIP 227((2000) 2271.
- ___ See Tunisia, Court of First Islance of Tunis, 22 March 1976, Societe Tunisienne d'Electricite et le.
- ___ Guz (STEG) v Societe Entropse (France), ill Yerba Buena Center for the Arts 283 (1978).
- ___ See Italy, Core de cassazione, 9 March 1996, no 4342, Societe Arabe les Engravis Piosp/ites et.
- ___ Azotes - SAEPA (Tunisia) and Societe Industrielle d'Acide Phosphorique et d'Engrais - SIAPE |(Turnisia) v Cerructico srt (Italy), Yerba Buena Center for the Arts737 (1997) 742.
- ___ See ICC cause no 6850, Yerba Buena Center for the Arts37 (1998); Court of Cassition Dubai, 25 June 1994, 11 ALR N-62 (1998).
- ___ Corte di Appello Florence, 27 January 1988, Easter Mediterrule/ Marifine Lil SpA Cerealtoscania, Yerba Buena Center for the Arts 496 (1990).
- ___ Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Germany",5 In ALR 160 (2002) 166; Fouichard Guillard Goldman on International Commercial Arbitration, para 271; Oberlandesgericht Dresden. 12January 1999, 11 Sch 6/98, unreported.
- ___ See van den Berg, New York Convention, 298, with reference to case law in footnote 186.
- ___ See, ep, Sesotris SAEy Transporters Naiales, 727 F Supp 737, Yerba Buena Center for the Arts 640 (1991) (District Court, D Mass, 1989); Bayerisches Oberlandlesgericht, 16 March 2000), RPS 22000, Beilage 12 zu Heft 50 BetriebsBerater 15 (2000).
- ___ See Oberlandesgericht Cologne, 10 June 1976, Converter Ivy em Bitcoin Atom, 258 (1979)